

فصلنامه مطالعات نوین بانکی

ISSN : 2645-5420

شماره مجوز: ۸۳۲۸۹ ((شماره هفدهم-زمستان ۱۴۰۱))

نگاهی به راهکارهای اصولی در راستای

پیشگیری از ایجاد معوقات بانکی در نظام بانکداری کنونی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۰۲، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۲۵)

گرساسب فرجی

چکیده

همانطور که می دانیم بهترین رویه برای وصول مطالبات بانکها، ایجاد بستر مناسب است، بدین معنا که اختیارات ویژه ای برای بانکها طراحی و تدوین شود تا فرایند وصول مطالبات را در شرایط کنونی تسریع نمایند، ضمن اینکه استفاده از خدمات شرکت های وصول مطالبات، صرفه جویی وقت و هزینه بانکها را در پی دارد. افزایش حجم مطالبات معوق شبکه بانکی یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه مدیران بلندپایه اقتصاد کشور طی سالهای اخیر بوده است. بازتاب آمارهای منفی منتشره در این خصوص (هرچند غیر دقیق و اغراق شده) بر ذهنیت مردم و فعالان اقتصادی کشور باعث شده تا مقوله مطالبات بانکها در ایران جدا از جنبه های مالی و اقتصادی، ابعاد رسانه ای نیز پیدا کند. هرچند باید به این واقعیت مهم نیز توجه داشت که وجود مطالبات بانکی موضوعی نیست که تنها مختص به کشور ما باشد، بلکه در نظام بانکی سایر کشورها نیز بحرانهای اقتصادی و تغییر شرایط بازار کسب و کار، بانکها را در دریافت منابع خود از وام گیرندگان دچار مشکل ساخته است. به همین دلیل در این مقاله قصد داریم به راهکارهای اصولی در راستای پیشگیری از ایجاد معوقات بانکی در نظام بانکداری کنونی بپردازیم.

واژگان کلیدی: تسهیلات بانکی، معوقات بانکی، وام، نظام بانکداری،

بانکداری اسلامی

بخش اول: کلیات و مفاهیم اولیه مبانی نظری

در ابتدای بخش اول این پژوهش لازم است بدانیم که معوقات بانکی به مطالبات بانک‌ها و موسسات اعتباری از متقاضیان حقیقی و حقوقی گفته می‌شود که بعد از گرفتن تسهیلات نسبت به بازپرداخت اقساط خود کوتاهی کرده و سرفصل تسهیلات آنها به سرفصل معوقات بانکی انتقابل یافته است. سیاست پولی مجموعه اقداماتی است که بانک مرکزی به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌برد. چنین سیاستی بر عرضه پول و نرخ بهره اثر می‌گذارد و از این طریق بسیاری از اهداف اقتصادی مانند: افزایش اشتغال، ثبات قیمت‌ها و حل مشکل رکود را متأثر می‌سازد. در واقع سیاست پولی، اتخاذ تدابیری به منظور کنترل و تنظیم حجم پول در گردش است. مکاتب مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اثرگذاری سیاست پولی بر اقتصاد دارند. مریکانتلیست‌ها اعتقاد داشتند که لازمه رشد سریع تجارت، گردش پول بیشتر در اقتصاد می‌باشد. به عبارت دیگر بین عرضه پول و میزان فعالیت اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد و براین اساس هرگاه عرضه پول افزایش یابد (در صورت ثابت بودن سایر عوامل) این عامل موجب افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. همچنین استدلال می‌کردند که افزایش حجم پول در گردش گاهی اوقات موجب افزایش تورمی قیمت‌ها می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۵: ۳۳۲). اقتصاددانان کلاسیک همچون اسمیت و سی بر این عقیده‌اند که پول در بلند مدت خنثی و بی‌اثر است؛ زیرا تعادل اشتغال کامل یک پدیده بلند مدت است و در صورت عدم دخالت دولت هیچ دلیلی برای پیدایش تورم و رکود اقتصادی وجود ندارد (رحمانی، ۱۳۷۸: ۲۰۴). کینزین‌ها نیز در سیاست پولی، هدف میانی را نرخ بهره قرار داده و معتقد به اثرگذاری سیاست پولی از مجرای تغییر نرخ بهره هستند. موضعی افراطی این دیدگاه که گروهی از اقتصاددانان به عنوان مالیون یا طرفداران نظریه مالی از آن حمایت می‌کنند، آن است که کشش سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره در کوتاه مدت بسیار اندک و حتی صفر است (منحنی IS عمودی است) و این موجب می‌شود که تغییرات حجم پول و اجرای سیاست پولی تنها موجب تغییر نرخ بهره شده و نه تنها اثری

بر تولید نداشته باشد، بلکه فقط ترکیب آن را تغییر دهد (میشکین، ۱۹۹۵). از مکاتبی که اصول فکری خود را بر اساس فرضیه انتظارات عقلایی بنا نهاد، کلاسیک‌های جدید می‌باشد. یکی از مفروضات این دیدگاه آن است که سیاست پولی با نوسانات اقتصادی ارتباطی ندارد. طبق الگوی انتظارات عقلایی کلاسیک‌های جدید، تلاش سیاست‌گذاران به منظور تغییر سطح تولید نه تنها بی اثر خواهد ماند، بلکه سیاست‌های فعال پولی نیز در مقایسه با سیاست نرخ ثابت رشد پول، به افزایش نوسانات تولید می‌انجامد. برخلاف تفکر کلاسیک‌های جدید مبنی بر به بن بست رسیدن انقلاب کینزی، اقتصاددانان کینزی یا کینزین‌های جدید بر این باورند که تحلیل‌ها و سیاست‌های کینزی همچنان پاسخ‌گوی مسایل اقتصادی جاری می‌باشد. اصول فکری این مکتب توسط اقتصاددانان کینزی آمریکایی و بال‌آخص توین (۱۹۶۰) و مودیگلیانی (۱۹۶۰) توسعه یافته است. آنها ضمن طرفداری از سیاست مالی معتقدند که استفاده از سیاست فعال پولی (به جای سیاست مداوم رشد عرضه پول مکتب پولی و کلاسیک‌های جدید) نیز برای مقابله با نوسان‌های اقتصادی مفید می‌باشد. فیشر (۱۹۹۷) به عنوان یکی از طرفداران این مکتب بیان می‌دارد که می‌توان با انتظارات عقلایی نیز الگویی طرح کرد که در آن اعمال سیاست پولی هماهنگ بتواند اقتصاد را به حالت تعادل برگرداند (برانسون ۲۹۷: ۱۳۷۶).

بخش دوم: سازوکار اثرگذاری سیاست پولی از طریق کانال اعتباری

همان‌طور که بیان شد سیاست پولی با استفاده از ابزارهای مناسب و از طریق کانال نرخ بهره، کانال نرخ ارز، کانال قیمت سایر دارایی‌ها و کانال اعتباری بر تولید و در نهایت اقتصاد اثرگذار می‌باشد. ادبیات موضوع نشان می‌دهد که کانال اعتباری از طریق دو کانال وام دهی و ترازنامه بانکی موجب اثرگذاری سیاست پولی بر اقتصاد می‌گردد. طبق کانال وام دهی بانکی فرض می‌شود که اعتبارات بانکی منبع اصلی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند، حال آنکه بنگاه‌های بزرگ می‌توانند به طور مستقیم از طریق انتشار سهام و اوراق قرضه، به بازارهای اعتباری دسترسی داشته باشند. بنابراین اعتبارات نقش مهمی در انتقال و ایجاد ارتباط بین دو بخش پولی و مالی و بخش واقعی اقتصاد

بازی می کنند. اثرگذاری سیاست پولی از طریق کانال وام دهی بانکی مورد توجه ویژه‌ای در مطالعاتی همچون برنانک و بلایندر (۱۹۹۲)، برنانک (۱۹۹۳)، برنانک و گرتلر (۱۹۹۵)، مشکین (۱۹۹۵) و تیلور (۱۹۹۵) قرار گرفته است.

برنانک و گرتلر (۱۹۹۵) اعتقاد دارند که یک سیاست پولی انقباضی که باعث کاهش در وام دهی بانک‌ها می شود، باعث یک کاهش پایدار در قدرت خرید مصرف کنندگان می شود. همچنین برنانک و بلایندر (۱۹۹۲) نشان دادند که سیاست پولی انقباضی، سبب کاهش غیرمستقیم مخارج از طریق کاهش عرضه وام بانکی می شود. زیرا انقباض‌های پولی، سپرده‌ها را در سمت بدهی‌های ترازنامه بانک‌ها جانشین ناقض یکدیگر باشند، بانک‌ها تمایل به جذب کامل زیان‌های سپرده از طریق کاهش نگهداری اوراق بهادار را نخواهند داشت در نتیجه تحت چنین شرایطی انقباض پولی باعث کاهش عرضه وام‌های بانکی خواهد شد. دو دیدگاه اصلی متضاد در مورد کانال وام دهی در سازوکار اثرگذاری سیاست پولی وجود دارد که شامل دیدگاه رومر و رومر (۱۹۸۹) و دیدگاه کاشیاپ و استین (۲۰۰۰) می باشد. رومر و رومر (۱۹۸۹) با استفاده از سیستم معادلات همزمان بیان می دارند که سیاست پولی فعالیت‌های واقعی اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده و روی بخش واقعی اقتصاد اثرگذار می باشد. در نهایت آنها به این نتیجه رسیدند که وام‌های بانکی نقش مهمی در سازوکار اثرگذاری سیاست پولی بازی نمی کنند و پاسخ وام دهی سیستم بانکی به این سیاست‌ها صرفاً یک پاسخ درونی به شکل کاهش در محصول و تولید است. از طرف دیگر کاشیاپ و استین (۲۰۰۰) بیان می دارند که بانک‌های تجاری نتیجه ای متضاد دیدگاه رومر و رومر (۱۹۸۹) بدست آوردند. آنها اعتقاد دارند که تأثیر سیاست پولی بر روی رفتار وام دهی بانک‌ها بستگی به نقدینگی و ترازنامه مالی بانک‌ها دارد. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که اگر سیاست پولی، وام دهی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، آنگاه سبب کاهش بیشتر وام‌ها در بانک‌های با دارایی‌های کمتر نقدشونده خواهد شد. زیرا بانک‌ها با دارایی‌های نقدتر می توانند از سبد دارایی وام خود از طریق کم کردن ذخایر احتیاطی و اوراق بهادار محافظت نمایند. این

در حالی است که اگر بانک‌ها با دارایی‌های کتر نقدشونده، نخواهند که نسبت وجوه نقد و اوراق بهادار خود را خیلی کمک کنند، مجبور خواهند بود که وام دهی خود را کاهش دهند.

بخش سوم: بررسی استعمال معوقات بانکی در سیستم بانکی سراسر کشور

استعمال معوقات بانکی و بالا رفتن ضریب آماری معوقات بانکی در سیستم بانکی در سراسر کشور باعث شده است تا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به فکر راه حل و چاره ای برای حل و فصل نمودن معوقات بانکی و کاهش شدید آن در سیستم های بانکی بيفتد تا به این منظور بتواند با ارائه راهکارهایی تا حد زیادی از ایجاد معوقات بانکی جلوگیری به عمل آورده شود. افت شدید معوقات بانکی به چرخه اقتصادی کشور بسیار کمک می کند؛ لذا همواره ایجاد راه حل هایی در این راستا به عنوان یک چالش بزرگ در سیستم های بانکی به حساب می آید. در ادامه در همین راستا برآنیم تا روش هایی را برای جلوگیری به عمل آوردن از استعمال معوقات بانکی ارائه سازیم و از تاثیر شگرف سامانه اعتبارسنجی بر کاهش معوقات بانکی بحث به میان خواهیم آورد.

بند اول: روش های جلوگیری از ایجاد معوقات بانکی

سیستم های بانکی برای جلوگیری به عمل آوردن از معوقات بانکی راهکارها و شیوه هایی را در نظر گرفته اند تا به این منظور بتوانند در راستای پایین آوردن استعمال معوقات بانکی گام مثبت و مستحکمی بردارند. شاید یکی از عمده ترین دلایلی که تا پیش از این سبب بالا رفتن نرخ معوقات بانکی در کشور می شد، نبود سامانه اعتبارسنجی بود که امروزه به لطف تکنولوژی از سامانه اعتبار سنجی بهره مند شده ایم که توانسته است تا حد بسیار زیادی از معوقات بانکی جلوگیری به عمل آورد. اما از دیگر روش های جلوگیری از استعمال معوقات بانکی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

بکار بستن مدیران مجرب و کار کشته و متعهد به قوانین: یکی از راه هایی که از استعمال معوقات بانکی جلوگیری به عمل می آورد، بکار گرفتن مدیرانی بسیار متعهد و ملتزم به قوانین می باشد که اگر در راستای استعمال معوقات بانکی به قوانین بانک مرکزی پای بند

باشند، می توانند از ایجاد هر گونه معوقات بانکی تا حد زیادی جلوگیری به عمل آورند و سیستم های بانکی عاری از هر گونه معوقات بانکی باشند. بنابراین اگر تمام مدیران، مدیر و متعهد باشند، اقتصاد یک کشور نیز دچار تزلزل نخواهد گشت.

دادن تسهیلات تنها به افراد خاص و قابل اعتماد: اگر سیستم های بانکی به گونه ای باشند که تنها به افراد خاص و به پروژه های خاصی تسهیلات خود را اعطاء کنند، همین امر نیز از جمله روش های ممانعت از معوقات بانکی به شمار می آید که سیستم های بانکی می توانند با اجرای این طرح، وجود استعلام معوقات بانکی را تا حد زیادی کاهش دهند.

پدید آمدن ابزارهای کنترلی: اگر در سیستم های بانکی، ابزارهای کنترلی وجود داشته باشد که بتوان با وجود این ابزارها تمامی دارندگان تسهیلات بانکی را ملزم به بازپرداخت بدهی های معوق خود کنند، تا حد شایان توجهی از استعلام معوقات بانکی جلوگیری به عمل می آید و با سخت گیری هایی که اعمال می شود، تمامی افراد مجبور به بازپرداخت اقساط خود درست در سر وقت تعیین شده خود می باشند. دلایل دیگری نیز در این راستا وجود دارد که ذکر همه آن ها در این مختصر نمی گنجد. از جمله این دلایل می توان به تاکید ویژه دولت بر وصول مطالبات بانکی، تغییر قوانین و شرایط اقتصادی، نرخ های سود غیر واقعی و... اشاره کرد.

بند دوم: تاثیر سامانه اعتبار سنجی بر کاهش استعلام معوقات بانکی

سامانه اعتبار سنجی با عمده فعالیت هایی که در بدو ظهورش تا به کنون داشته است، توانسته تا حد زیادی از هر گونه معوقات بانکی یا تاخیر در بازپرداخت بدهی ها به سیستم های بانکی جلوگیری به عمل آورد و از جمله بهترین راهکارهای وصول مطالبات بانکی به شمار می آید. با وجود رتبه بندی اعتباری تمامی افراد حقیقی و حقوقی ملزم می شوند تا تمامی اقساط خود را سر موعد مقرر خویش پرداخت نمایند تا با استعلام معوقات بانکی هیچ تاخیر در پرداختی در استعلام آن ها مشاهده نگردد.^۱

^۱ مطالبی برگرفته از مقاله تاثیر معوقه بانکی بر رتبه اعتباری و جلوگیری از ایجاد آن در سایت <https://www.icescoring.com> اعتبار یکپارچه سپهر

بخش چهارم: نگاهی به پیشینه تحقیق

در این خصوص سنگونول و توربک (۲۰۰۵) در ترکیه این موضوع را که آیا سیاست پولی انقباضی عرضه وام‌های بانکی را کاهش می‌دهد بررسی کردند. آنها براساس مطالعه کاشیاپ و استین (۲۰۰۰) دریافتند که کاهش عرضه وام‌های بانکی در ترکیه را کاهش می‌دهد. به نحوی که احتمالاً افزایش نرخ‌های بهره، طی یک دوره بحران تراز پرداخت‌ها ممکن است ضد تولید باشد. چنین سیاستی ممکن است نیازمند جذب سرمایه و تقویت نرخ ارز باشد. به هر حال اگر بتوان از طریق اعمال سیاستی، وام دهی بانک را کاهش داد، اثر انقباضی آن چند برابر خواهد شد. رکود اقتصادی ناشی از این سیاست ممکن است سبب کاهش اعتماد سرمایه‌گذار و تشدید بحران شود. همچنین هیوالسیگ و مایر (۲۰۰۵) در مطالعه برای آلمان نشان دادند که مطابق با کانال اعتباری، سیاست پولی بر سطح سرمایه‌گذاری و مخارج مصرف‌کنندگان با تغییراتی در هزینه سرمایه و بازدهی پس انداز اثرگذار است. آنها همچنین اشاره می‌کنند که سیاست پولی مخصوصاً روی رفتار وام‌دهی بانک‌های کوچک دارای ترازنامه‌هایی با نقدی کمتر، موثرتر است. به این معنی که در اثر یک شوک انقباضی سیاست پولی، عرضه و تقاضای وام در بانک‌های کوچک به تدریج کاهش می‌یابد. از طرفی آنگلونی و بنویت (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های مربوط به تقاضای کل، ترازنامه بخش بانکی و بنگاه‌های غیرمالی کشورهای نقطه اروپا (آلمان، فنلاند، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوگزامبورگ، هلند، پرتغال و اسپانیا) و آمریکا با استفاده از روش تخمین الگوهای ساختاری، خود رگرسیون برداری (VAR) و روش داده‌های تابلویی به بررسی سازوکار اثرگذاری پولی پرداختند. آنها دریافتند که افزایش در نرخ بهره کوتاه مدت، تولید را به طور لحظه‌ای کاهش می‌دهد و قیمت‌ها نیز خیلی به آرامی واکنش نشان می‌دهند به طوری که تورم در سال اول افزایش می‌یابد و در چند سال بعد به تدریج تنزل می‌یابد. از طرفی تقاضای سرمایه‌گذاری نیز نسبت به مخارج مصرفی در انتقال انقباض پولی به تولید نقش مهم تری را به عهده دارد. کانال نرخ بهره در اکثر کشورها وجود دارد ولی بدین معنا نیست که این کانال همواره کانال

اصلی بوده است. نقش کانال اعتباری در کشورهای مختلف متفاوت بوده است و شاید نقش کانال اعتباری از آن مقداری که در منطقه اروپا از سیستم بانکی در تأمین مالی انتظار می‌رفته کمتر بوده است.

بخش پنجم: روش‌شناسی و تصریح الگو

فیلیس (۱۹۵۴) در مقالاتی که در مجله اقتصادی منتشر ساخت، الگوی تصحیح خطای برداری را برای اولین بار به ادبیات اقتصادسنجی معرفی کرد. این الگو، جزء الگوهای پویا به شمار می‌رود. البته در سری‌های زمانی کاربردی، انواع گوناگونی از الگوهای پویا وجود دارند. مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطای برداری وجود همجمعی بین متغیرهای اقتصادی است. الگوهای پویای تصحیح خطای برداری امکان تعیین روابط بلند مدت بین متغیرهای درونزا را مهیا می‌سازند. علاوه بر آن، این الگوها رفتار کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلند مدت آنها ربط می‌دهند و نشان می‌دهند چگونه عدم تعادل مربوط به روابط تعادلی بلند مدت متغیرها بر تغییرات پویای کوتاه مدت آنها تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های پولی در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت اثر مثبت بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها دارند که از لحاظ نظری با دیدگاه پول‌گرایان سازگار می‌باشد. همچنین شوک بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در کوتاه مدت اثر منفی و در میان مدت و بلند مدت اثر مثبت بر تسهیلات اعطایی بانک‌ها دارد که این روابط فقط در میان مدت و بلند مدت از لحاظ نظری با دیدگاه پول‌گرایان سازگار می‌باشد. شوک تسهیلات اعطایی بانک‌ها نیز در کوتاه مدت اثر مثبت و در میان مدت و بلند مدت اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دارد که این روابط فقط در کوتاه مدت از لحاظ نظری با دیدگاه پول‌گرایان سازگار می‌باشند. همچنین اثر این شوک بر سطح عمومی قیمت‌ها در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مثبت و معنادار است که از لحاظ نظری با دیدگاه پول‌گرایان سازگار می‌باشد.

بخش ششم: جمع بندی و نتیجه گیری

به رغم تحولات شگرف چند دهه اخیر در عرصه اقتصاد کلان، کماکان تاثیر و جهت اثرگذاری سیاست های پولی و ارزی بر بخش واقعی اقتصاد مورد اختلاف نظر اندیشمندان و صاحب نظران اقتصادی است. همواره افزایش سطح اشتغال، کنترل تورم و تعادل در تراز پرداخت ها از اهداف نهایی کشورها بوده است. ابزارهای سیاست های مالی دولت و سیاست پولی بانک مرکزی اهرم هایی هستند که معمولاً کشورها برای دستیابی به اهداف نهایی خود مورد استفاده قرار می دهند. سیاست پولی به طور خاص در حیطه اهداف کلان اقتصادی به دنبال تنظیم متغیرهای پولی مانند تثبیت قیمت ها، تعادل در تراز پرداخت ها، حجم پول و یا نقدینگی می باشد. یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر اعتبار بانک ها در جهت اعطای وام، سیاست های پولی است. این سیاست معمولاً توسط بانک مرکزی و با استفاده از ابزارهای متعددی انجام می شود. این سیاست از طریق کانال های مختلفی بر تولید و در نهایت اقتصاد اثرگذار می باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی اثرات سیاست پولی بر تولید ناخالص داخلی و سطح عمومی قیمت ها از طریق کانال وام دهی سیستم بانکی در ایران می باشد. در کنار دیدگاه سنتی کینزین ها که در قالب منحنی سیاست پولی را از طریق اثرش بر نرخ بهره و نحن تأثیر قرار دادن تقاضای سرمایه گذاری و تقاضای کل معرفی می کند، پول گرایان نیز با فرض تقریباً عمودی بودن منحنی جایگاه خاصی برای اثر سیاست پولی در اقتصاد قائلند. آنها بیان می دارند که افزایش حجم پول موجب افزایش تولید اسمی می گردد که با گذشت زمان دستمزدها کاملاً تعدیل شده و افزایش حجم پول خود را کاملاً در افزایش قیمت ها نشان می دهد و تولید به سطح اولیه اش باز می گردد. همچنین پول گرایان با اعتقاد به این که رشد واقعی تولید در بلند مدت مستقل از تغییر در تغییرات حجم نقدینگی است، تغییرات متغیرهای پولی را در شرایط اشتغال کامل در بلند مدت تنها بر سطح قیمت ها موثر می دانند. از آن جایی که با اجرای عملیات بانکی بدون ربا استفاده از نرخ تنزیل مجدد و اوراق قرضه به دلیل ماهیت ربوی آنها منع شد، نرخ بهره نیز نقش خود را در سیستم پولی کشور از

دست داد. در این مقاله به طور کلی مشخص شد که شوک های پولی در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت اثر مثبت بر تسهیلات اعطایی بانک ها دارند که از لحاظ نظری با دیدگاه پول گرایان سازگار می باشد. همچنین شوک بدهی بانک ها به بانک مرکزی در کوتاه مدت اثر منفی و در میان مدت و بلند مدت اثر مثبت بر تسهیلات اعطایی بانک ها دارد که این روابط فقط در میان مدت و بلند مدت از لحاظ نظری دیدگاه پول گرایان سازگار می باشد. شوک تسهیلات اعطایی بانک ها نیز در کوتاه مدت اثر مثبت و در میان مدت و بلند مدت اثر منفی بر تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین اثر این شوک بر سطح عمومی قیمت ها در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مثبت است که از لحاظ نظری با دیدگاه پول گرایان سازگار می باشد. بر همین اساس سیاست گذاران پولی با اتخاذ سیاست پولی تنها در کوتاه مدت می توانند سطح تولید ناخالص داخلی را متأثر سازند و در بلند مدت شوک های پولی ایجاد شده تماماً خود را در سطح قیمت ها نشان می دهند. با استفاده از نتایج تحلیل واکنش ضربه در مورد صحت فرضیات بیان شده، می توان گفت فرضیه ۱ در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت پذیرفته می شود. بدین معنا که شوک مثبت بدهی بانک ها به بانک مرکزی منجر به کاهش تولید از طریق وام دهی سیستم بانکی می شود. فرضیه ۲ را در کوتاه مدت نمی توان رد کرد. بدین معنا که شوک بدهی بانک ها به بانک مرکزی منجر به کاهش سطح عمومی قیمت ها از طریق وام دهی سیستم بانکی در کوتاه مدت می شود. ولی این فرضیه در میان مدت و بلند مدت رد خواهد شد. نتایج تجزیه واریانس خطای پیش بینی نیز نشان دادند که سهم ابزار سیاست پولی (بدهی بانک ها به بانک مرکزی) در میان مدت و بلند مدت در واریانس تولید و سطح عمومی قیمت ها نسبتاً بالا است، بنابراین وجود کانال وام دهی در اثرگذاری سیاست پولی در ایران تأیید می شود.

منابع و مأخذ

- ۱- برانسون، ویلیام اچ، (۱۳۷۶): سیاست های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاتگری، نشر نی، تهران، چاپ دوازدهم
- ۲- تفضلی، فریدون، (۱۳۷۵): تاریخ عقاید اقتصادی، انتشارات نی، تهران، چاپ ششم
- ۳- رحمانی، تیمور، (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان، نشر برادران، تهران، چاپ ششم
- ۴- سایت اعبار یکپارچه سپهر، (۱۴۰۰) [/https://www.icescoring.com](https://www.icescoring.com)
- Alfaro, R., Franken., H. and Garcia, C and Jara A. (۲۰۰۴), "The Bank Lending Channel in CHILE", *Journal of Economic Perspectives*, ۸ (۲). ۷-۱۰.
- Angeloni, I., Anil, K., Benoit, M. and Daniele, T. (۲۰۰۲), "Monetary Transmission in the Euro Area: Where Do We Stand?", *ECB Working Paper*, No. ۱۱۴.
- Bernanke, B. (۱۹۹۳), "How important is the credit channel in the monetary policy", *Acomment; Carnegie-Rochester Conference series on public policy* ۳۹, North Holland, ۴۷-۵۲.
- Bernanke, B. and Blinder, A. (۱۹۹۲), "The federal funds rate and the channels of monetary Transmission", *American Economic Review*, ۸۲: ۹۰۱-۹۲۱.
- Bernanke, B. and Gertler, M. (۱۹۹۵), "Inside the black box: the credit channel of monetary Transmission", *Journal of Economic Perspectives*, ۹: ۲۷-۴۸.
- Enders, W. (۱۹۹۵), "Applied Econometrics Time Series", John Wiley and Sons, Inc; USA Engle.
- Johansen, S. (۲۰۰۰), "Modelling of cointegration in the vector autoregressive model", *Economic Modelling*, ۱۷: ۳۵۹-۳۷۳.
- Karas, A., Koen S. and Laurent W. (۲۰۰۹), "Are private banks more efficient than public banks?", *Evidence from Russia. Economics of Transition*.
- Kashyap, A.K. and J.C. Stein (۲۰۰۰), "What do a million observations on banks say about the transmission of monetary policy?", *American Economic Review*